



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Analyzing the Effects of Corona Outbreaks on Contracts and Ahead Solutions

Mohammad Salehi Mazandarni^{1*}, Reza Hosein Gandomkar¹, Moslem Pourkarimi¹

1. Department of Law, Faculty of Law, Qom University, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The global spread of the Qovid 19 virus, described by the World Health Organization on January 31, 2020 as "an international threat and concern" has affected all aspects of contemporary life. In the meantime, several restrictive measures have been taken. It has been done by governments to limit and quarantine, which in turn has affected the implementation of contracts.

Ethical Considerations: Considering whether it is possible to execute the contracts despite the cases of remaining execution, and only this disease causes problems that they are supposed to do.

Method: The main question of the present study, which has been done descriptively-analytically, is what will be the status of contract implementation as a result of the corona outbreak? Secondly, what are the strategies to manage the implementation of contracts during the corona outbreak?

Results: The result of the present study is that from a legal point of view, the corona outbreak can be adapted to three different doctrines, namely force majeure, frustration and hardship of contract execution. Since it is still possible to enforce contracts despite the prevalence of coronation, and only the outbreak of this disease has made it difficult to enforce contracts, the corona should be more in line with the doctrine of difficulty in enforcing contracts, or hardship.

Conclusion: One of the most effective ways to manage contract execution during the corona is to modify the contract.

Keywords: Corona; Force Majeure; Frustration; Hardship; Contract Modification

Corresponding Author: Mohammad Salehi Mazandarni; **Email:** m_salehimazandarani@yahoo.com

Received: May 06, 2021; **Accepted:** October 03, 2021; **Published Online:** September 15, 2022

Please cite this article as:

Salehi Mazandarni M, Gandomkar RH, Pourkarimi M. Analyzing the Effects of Corona Outbreaks on Contracts and Ahead Solutions. *Medical Law Journal*. 2022; 16(57): e31.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق سلامت

تحلیل آثار شیوع ویروس کرونا بر قراردادهای پیش رو

محمد صالحی مازندرانی^{1*}، رضاحسین گندمکار^۱، مسلم پورکریمی دارنجانی^۱

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: گسترش ویروس کووید-۱۹ در سطح جهانی که در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان «یک تهدید و نگرانی بین‌المللی» از آن یاد شد، تمام شئون و جنبه‌های زندگی معاصرین را متأثر نموده است. در این میان، اقدامات متعددی از سوی دولت‌ها برای محدودسازی و قرنطینه انجام شده است که بالتبع آن بر اجرای قراردادهای تأثیرگذار بوده است.

روش: سؤال اصلی تحقیق حاضر که به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، این می‌باشد که اولاً وضعیت اجرای قراردادهای در نتیجه شیوع کرونا به چه صورت خواهد بود؟ ثانیاً چه راهکارهایی برای مدیریت اجرای قراردادهای در دوران شیوع کرونا وجود دارد؟

ملاحظات اخلاقی: با توجه به اینکه امکان اجرای قراردادهای با وجود شیوع کرونا همچنان وجود دارد و صرفاً شیوع این بیماری موجب دشوار شدن اجرای قراردادهای شده است، کرونا را بیشتر بایستی با دکتترین دشواری اجرای قراردادهای یا همان هاردشیپ منطبق ساخت.

یافته‌ها: نتیجه تحقیق حاضر آن است که از منظر حقوقی می‌توان شیوع کرونا را با سه دکتترین مختلف، یعنی فورس‌ماژور، عقیم‌سازی و دشواری اجرای قراردادهای تطبیق داد.

نتیجه‌گیری: یکی از مؤثرترین راهکارها در زمینه مدیریت اجرای قراردادهای در دوران کرونا، تعدیل قرارداد است.

واژگان کلیدی: کرونا؛ فورس‌ماژور؛ عقیم‌سازی؛ دشواری قرارداد؛ تعدیل قرارداد

نویسنده مسئول: محمد صالحی مازندرانی؛ پست الکترونیک: m_salehimazandarani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Salehi Mazandarni M, Gandomkar RH, Pourkarimi M. Analyzing the Effects of Corona Outbreaks on Contracts and Ahead Solutions. Medical Law Journal. 2022; 16(57): e31.

مقدمه

در فجایع یا حوادث غیر مترقبه، مثل انقلاب‌های موسوم به بهار عربی و ظهور کووید-۱۹ و مانند آن، سامان بسیاری از قراردادهای به هم می‌ریزد و شرکت‌های غول‌پیکر در تجارت بین‌المللی ورشکسته شده و می‌شوند که اعمال قواعد ورشکستگی در مورد آن‌ها ضروری است (۱). به طور معمول، چند وضعیت قراردادی در ارتباط با شیوع کرونا و توصیف آن به عنوان قوه قاهره وجود دارد: اولاً اینکه اگر کرونا از سوی متعهد به عنوان یک فورس‌ماژور، توصیف شود، از آنجا که فورس‌ماژور خلاف اصل وفای به عهد است، بنابراین اثبات آن بر عهده متعهد به عنوان مدعی است؛ ثانیاً در صورتی که متعهد در انجام تعهد خود به گونه‌ای تأخیر داشته باشد که این تأخیر موجب برخورد قوه قاهره با اجرای تعهد وی شود، این مورد موجب بری‌شدن متعهد از ضمانت نمی‌گردد (۲).

وضعیت دوم آن است که متعهد، کرونا را به عنوان هاردشپ یا وضعیت عسر و حرج تعبیر نماید. در این چنین شرایطی، متعهد بایستی اثبات نماید که به دلیل شیوع بیماری کرونا، اجرای قرارداد بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، نامتوازن می‌شود، البته هاردشپ در نظام حقوق قراردادهای ایران مورد پذیرش قرار نگرفته است، اما می‌توان آن را با عسر و حرج مقایسه نمود. این موضوع در رویه قضایی ایران نیز سابقه داشته است، به طوری که شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۰۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۶/۳۱ تصریح نمود که افزایش بیش از حد قیمت‌ها، موجب بری‌شدن متعهد از اجرای تعهدات قراردادی اش شده است.

البته در نظام‌های حقوقی اروپایی و کامن‌لا، امروزه عموماً تنها در صورتی می‌توان به فورس‌ماژور استناد نمود که شرط ضمن عقد آن در قرارداد مندرج شده باشد (البته امروزه شرط فورس‌ماژور جدا از شیوع بیماری کرونا در مورد سایر وقایع خارجی غیر ارادی نیز بوده است. برای نمونه، پیش از این، اتاق بازرگانی بین‌المللی توصیه نموده بود که در کشورهایی که در معرض «تغییرات قانونگذاری سریع» یا «اقدامات مداخله‌جویانه دولتی» هستند، بایستی سعی گردد که قراردادهایی که منعقد

می‌شود، شرط فورس‌ماژور آن‌ها شامل این چنین مواردی نیز گردد. همچنین در اینکه یکی از طرفین قرارداد که امکان استناد به شرط فورس‌ماژور را دارد بتوان در چه مدت زمانی به آن استناد نماید نیز مهم می‌باشد (۳). در غیر این صورت، اختلاف نظرات جدی در مورد استناد به فورس‌ماژور برای عدم ایفای تعهدات قراردادی وجود دارد (۴). به شکل معمول و با در نظر گرفتن محدودیت منابع مالی، هدف دولت‌ها حمایت از کسب و کارهایی است که بیشترین میزان زیان را از همه‌گیری بیماری، متحمل شده‌اند. بررسی رویه موجود نشانگر آن است که عمدتاً کرونا به عنوان یک وضعیت هاردشپ یا همان عسر و حرج مورد نظر قرار گرفته شده است تا وضعیت فورس‌ماژور و نمونه آن، در بخش‌نامه‌های متعددی است که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پس از شیوع کرونا مورد پذیرش قرار گرفته است، از جمله بر اساس بخش‌نامه نظارتی شماره ۹۹/۱۲۳۰ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۹/۱/۶ بر این امر تأکید گردید که «تعویق سه‌ماهه اقساط تسهیلات در مورد تمام دریافت‌کنندگان قرض‌الحسنه و فارغ از امکان یا عدم امکان پرداخت و قطع نظر از نوع کسب و کار، لازم‌الاجرا است و مؤسسات اعتباری غیر بانکی نیز همانند بانک‌ها، موظف به اجرای مصوبه مورد اشاره خواهند بود» (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بخشنامه شماره ۹۹/۱۲۳۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۶).

بنابراین ابتدائاً به بررسی این موضوع که قراردادهای کرونا به چه صورت با یکدیگر ارتباط دارند و این ارتباط در دو بخش قراردادهای پیش از کرونا و قراردادهای پس از کرونا مورد توجه قرار گرفته است، سپس به موضوع دکترین‌های حاکم بر قراردادهای زمان کرونا پرداخته شده است و فورس‌ماژور، عقیم‌شدن قراردادهای هاردشپ مورد نظر قرار گرفته است. در نهایت به سازوکارهای حاکم بر قراردادهای زمان کرونا پرداخته شده است و به توسل به خیارهای فسخ و انفساخ، بطلان، تعلیق مدت قرارداد و تعدیل قرارداد پرداخته شده است. در پایان هم با بیان ضرورت مطالعه موردی قراردادهای زمان کرونا و سازوکارهایی که برای متعهدله در صورت عدم ایفای قرارداد متعهد وجود دارد، به دنبال بیان این نکته است

پیش از شیوع و تشدید کرونا منعقد شده باشد و منظور از شیوع و تشدید کرونا بسته به صنف و قرارداد منعقد شده متفاوت است. برای نمونه اگر قراردادهایی در زمینه واردات یک نوع کالای خاص که بایستی از طریق مبادی گمرکی وارد کشور شود، منعقد شده باشد و سپس شیوع کرونا منتهی به بسته شدن مرزها شود، به نحوی که امکان تسلیم کالای مورد نظر به صورت موقت یا دائمی از بین رود، در این صورت به ترتیب بر اساس خیار تعذر تسلیم و فورس‌ماژور، حق فسخ و انفساخ ایجاد می‌شود.

البته این امر مربوط به تمامی قراردادهای نیست، بلکه برخی از قراردادهای هستند که شیوع کرونا، تأثیری بر اجرای آنها نداشته است. برای نمونه می‌توان به قرارداد خرید یک ملک اشاره نمود که حتی اگر پیش از کرونا منعقد شده باشد، مشتری یا فروشنده نمی‌توانند انجام تعهدات خود را به علت شیوع کرونا، معلق نمایند.

۱-۲. قراردادهای پس از کرونا: در مورد قراردادهایی که پس از کرونا منعقد می‌شود؛ فرض عمده آن است که این قراردادهای با اطلاع از وضعیت کرونا منعقد شده است، البته در صورتی که در ارتباط با این قراردادهای که عمده قراردادهای از این سنخ است، اجرای قرارداد به نحو دشوار و سخت شود که امکان اجرایی کردن قرار وجود نداشته باشد عموماً یا به خیار فسخ به ویژه خیار تعذر تسلیم استناد می‌شود، در صورتی که امکان تسلیم مبیع به صورت موقت سلب شده باشد و در صورتی که به صورت دائمی باشد، منفسخ می‌شود. همچنین تعلیق قرارداد و تعدیل قرارداد از روش‌هایی دیگری است که در بخش‌های بعدی بدان پرداخته می‌شود.

همچنین انجام برخی تعهدات به هیچ وجه شامل بیماری کرونا نمی‌شوند. برای نمونه در زمینه پرداخت‌ها در یک قرارداد که متعهد به پرداخت نمی‌تواند عدم پرداخت خود را به دلیل شیوع کرونا نماید، چراکه امروزه پرداخت‌های الکترونیکی جایگزین پرداخت‌های سنتی شده است (۶). بنابراین نمی‌توان تعطیلی بانک‌ها به دلیل کرونا را نافی تعهد به پرداخت در یک قرارداد خرید خودرو دانست.

که ضمن اینکه فورس‌ماژور لزوماً سبب انحلال و انفساخ قرارداد نمی‌شود، چنانچه در مواردی شیوع ویروس کرونا علیرغم وجود مشقت و دشواری‌هایی که ایجاد می‌کند، فورس‌ماژور محسوب نگردد و سبب انحلال قرارداد نگردد، تعدیل قرارداد (خصوصاً شروط ضمن عقد) بهترین راه حل پیشنهادی است. امری که در قانون ما کمتر مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته است.

روش

سؤال اصلی تحقیق حاضر که به صورت توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، این می‌باشد که اولاً وضعیت اجرای قراردادهای در نتیجه شیوع کرونا به چه صورت خواهد بود؟ ثانیاً چه راهکارهایی برای مدیریت اجرای قراردادهای در دوران شیوع کرونا وجود دارد؟

یافته‌ها

نتیجه تحقیق حاضر آن است که از منظر حقوقی می‌توان شیوع کرونا را با سه دکتین مختلف، یعنی فورس‌ماژور، عقیم‌سازی و دشواری اجرای قراردادهای تطبیق داد.

۱. کرونا و قراردادهای: بدیهی است که بایستی ارتباط میان قراردادهای و کرونا را به دو بخش پیش از کرونا و پس از کرونا تقسیم‌بندی نمود. این نکته نیز شایان ذکر است که نمی‌توان صرفاً به سبب اینکه قراردادی در حین کرونا منعقد شده است، آن را مطلقاً بدون هیچ‌گونه حقی برای متعهدله دانست. در ادامه به صورت کلی به قراردادهای پیش و پس از کرونا توجه می‌شود.

۱-۱. قراردادهای پیش از کرونا: بیماری‌های واگیردار اعم از وبا، طاعون، فلج اطفال، ایذر و... از قدیمی‌ترین دشمنان سلامت هستند. بروز چنین بیماری‌هایی در یک شخص، نه تنها سلامت بیمار، بلکه سلامت سایر اشخاص را نیز به مخاطره می‌اندازد. ابتلای عضوی از اعضای خانواده به بیماری مسری، خطر انتشار در اعضای دیگر خانواده و جامعه را به همراه دارد (۵). منظور از قراردادهای پیش از کرونا، قراردادهایی است که

۳-۱. دکترین‌های مختلف در زمان شیوع بیماری کرونا: پیش از شروع بحث بایستی این نکته خاطرنشان شود که مواردی که در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرند، به عنوان مبانی می‌باشند و بر اساس همین مبانی در بخش بعدی به سازوکارهایی همچون فسخ و انفساخ، بطلان، تعلیق مدت قرارداد و تعدیل قرارداد پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. کرونا و فورس‌ماژور: در ادبیات حقوقی غربی عموماً برای اشاره به فورس‌ماژور از اصطلاح «فعل خداوند» استفاده می‌گردد. واژگان «فعل خداوند» به لحاظ حقوقی به این صورت تعریف شده است که: «یک فعل طبیعی مستقیم، خشونت‌آمیز، ناگهانی و مقاومت‌ناپذیر است که خواننده (متعهد) نمی‌تواند از طریق هر میزان توانایی‌اش، آن را پیش‌بینی نموده یا حتی در صورتی که آن را پیش‌بینی نموده باشد، نمی‌تواند از طریق میزان مراقبت و مهارتش به شکلی عمل نماید که تأثیرات آن را محدود می‌سازد»، در حالی که می‌توان این چنین ادعا شود که کرونا یک فورس‌ماژور است، اما به نظر نمی‌رسد که محاکم قضایی این چنین رویکردی را داشته باشند، چراکه به لحاظ تاریخچه این بیماری، به عنوان یک بحران جغرافیایی دیده شده است تا یک بحران طبیعی (۷)، مضافاً علیرغم تلفات فراوان بیماری کرونا، اما نبایستی شیوع آن را آن چنان خشونت‌آمیز یا مستقیم دانست که اشخاص را از اجتناب از نتایج آن ناتوان سازد (۸). از سوی دیگر، بایستی اذعان داشت که مفهوم فورس‌ماژور از قراردادی به قرارداد دیگر متغیر بوده و به این بستگی دارد که چه حوادثی می‌تواند به عنوان فورس‌ماژور تلقی شود (۳). دو رویکرد عمده در این مورد در نظام حقوقی کامن‌لا و رمی - ژرمنی وجود دارد، در حالی که در نظام حقوقی کامن‌لا، فورس‌ماژور به عنوان یک مفهوم جداگانه پذیرفته نمی‌شود و عمدتاً به عنوان یک شرط ضمن عقد مورد توجه قرار می‌گیرد، اما در نظام حقوقی رمی - ژرمنی معمولاً تأثیر فورس‌ماژور بر قراردادهای به صورت اندارج شرط فورس‌ماژور قابل مشاهده است. نمونه‌های شایع در این زمینه عبارتند از تروریسم، ناآرامی‌های مدنی یا کودتا، فجایع طبیعی و نقض یا خرابی دستگاه‌های تولیدی. با این حال، در

اغلب قراردادهای فورس‌ماژور به صورت موسع تفسیر می‌شود که هر واقعه خارجی که خارج از کنترل طرفین قرارداد باشد را شامل می‌شود (۹). در مورد اینکه کرونا به عنوان فورس‌ماژور محسوب گردد یا خیر، بایستی به ادبیات قراردادی توجه نمود، در صورتی که ادبیات مرتبط با فورس‌ماژور به مواردی هم چون «همه‌گیری»، «پاندومی» یا «بیماری» به عنوان فورس‌ماژور اشاره نموده باشد، قطعاً می‌توان کرونا را به عنوان یک فورس‌ماژور محسوب نمود (۱۰). فرض مقابل آن، در صورتی است که متعهد مسئولیت خطرات ناشی از فورس‌ماژور را مورد پذیرش قرار داده است، حتی در صورتی که بتوان بیماری کرونا را به عنوان یک فورس‌ماژور تلقی نمود، به علت این شرط ضمن عقد، نمی‌تواند به فورس‌ماژور استناد نماید (۱۱).

در این مورد البته از نظر رویه قضایی، رویکردهای متفاوت بوده است برای نمونه در دویست و بیست و ششمین جلسه کمیسیون ماهانه قضایی دادگستری کل استان (۱۳۹۹/۴/۹) در پاسخ به این سؤال که بایستی کرونا به عنوان فورس‌ماژور تلقی شود یا خیر، بیان شده است: «در مناطقی که ستاد مبارزه با بحران کرونا محدودیت‌هایی در حد ممنوع‌بودن انجام کار یا کارکردن با ریسک بالا اعلام می‌کند، به نظر هر سه شرط تحقق قوه قاهره، یعنی، خارجی‌بودن و غیر قابل پیش‌بینی‌بودن و غیر قابل دفع‌بودن را با توجه به مواد ۲۳۷ و ۲۲۹ قانون مدنی دارا می‌باشد، ولی در خارج از این مناطق کرونا ویروس موجب تحقق قوه قاهره نمی‌شود.»

ذکر این نکته مهم است که با توجه به مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، سه معیار «خارجی بودن»، «غیر قابل پیش‌بینی بودن» و «غیر قابل دفع بودن» در مورد فورس‌ماژور در نظر گرفته شده است. بنابراین بایستی در هر قراردادی به صورت موردی بررسی شود که آیا کرونا این سه شرط را دارا بوده تا به عنوان فورس‌ماژور تلقی شود و در صورتی که واجد این سه شرط بود، می‌تواند فورس‌ماژور تلقی شود (۱۲). این موضوع در نظریه مشورتی ۷/۹۹/۳۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۹/۶/۳ نیز مورد توجه قرار گرفته است: «به نحو اطلاق نمی‌توان شیوع بیماری کرونا و اجرای طرح فاصله‌گذاری

عقیم‌شدن یک قرارداد وجود ندارد، اما معمولاً موارد زیر برای تشخیص عقیم‌شدن قرارداد آورده می‌شود:

- ۱- واقعه عقیم‌ساز پس از اینکه قرارداد منعقد شد، رخ می‌دهد؛
- ۲- در زمان انعقاد قرارداد، وقوع واقعه عقیم‌ساز فراتر از حدود تفکر و اندیشه طرفین قرارداد بوده است؛
- ۳- وقوع واقعه عقیم‌ساز، ایفای قرارداد را غیر ممکن ساخته یا شدیداً با آنچه که طرفین ابتدائاً در نظر داشته‌اند، متفاوت می‌سازد؛
- ۴- هیچ یک از طرفین قرارداد در وقوع واقعه عقیم‌ساز، تقصیری نداشته‌اند (۱۷).

با توجه به شرایط فوق، این سؤال مطرح می‌شود که نظریه عقیم‌سازی قرارداد با کدام یک از نظریات در نظام حقوقی داخلی قابل تطبیق است؟ به نظر می‌رسد که متناسب‌ترین نظریه‌ای که در این خصوص مطرح است، نظریه غبن حادث باشد. غبن حادث به این معناست که غبن که همان نقصان و خسران مالی یا نابرابری اقتصادی و عدم تعادل میان تعهدات طرفین است نه تنها در مرحله انعقاد عقد، بلکه حتی در زمان اجرای تعهدات نیز می‌تواند مؤثر باشد، البته از آنجا که غبن از نظر فقهی بایستی حتماً در زمان انعقاد عقد باشد، شرایطی لازم است تا بتوان به نظریه غبن حادث استناد نمود، از جمله اینکه اگر عرف ضرر ناشی از غبن حادث را ضرری ناروا و نامتعارف بداند و در عین حال، آن را دست کم در عقود خاص مانند عقود عهدی مستمر به لزوم عقد نسبت دهد، قید هم زمانی هیچ تأثیری بر اجرای مفاد قاعده نخواهد داشت (۱۸).

در رویه قضایی نیز به دکتترین «عقیم‌شدن» قرارداد اشاره شده است، از جمله در قضیه *Hepburn v. Taylor* که خواننده در دفاعیه خود به دکتترین عقیم‌شدن قرارداد اشاره نمود، دادگاه تصریح نمود که شرایطی که ایفای تعهدات قراردادی را برای طرف مزبور غیر ممکن ساخته است، نمی‌بایستی به سبب تقصیر وی باشد و اینکه عقیم‌شدن قرارداد نبایستی خود انگیخته باشد (۱۹).

در قضیه *Millinum Telecommunications Limited v. Bahamas Telecommunication Company Ltd* نیز

اجتماعی و آثار آن بر اجرای تعهدات قراردادی را مشمول عنوان و نهاد فورس‌ماژور دانست، به نحوی که بر حسب نوع و ماهیت قراردادها و شروط ضمن آن، وضعیت متفاوت است که احراز آن مستلزم رسیدگی قضایی است. برای مثال در قراردادهای بلندمدت نمی‌توان بابت اجرای چند ماهه طرح فاصله‌گذاری اجتماعی در ایران به نهاد فورس‌ماژور متوسل شد و چه بسا نتوان با رعایت دیگر شرایط، آن را دشواری اجرای قرارداد دانست» (نظریه مشورتی ۷/۹۹/۳۰۰ اداره کل حقوقی قوه قضاییه مورخ ۱۳۹۹/۶/۳).

نکته‌ای که در این بین وجود دارد، آن است که بیماری کرونا در صورتی به عنوان فورس‌ماژور باقی می‌ماند که معمولاً به دفعات بالا رخ ندهد (۱۳). این امر با جهش ویروس کرونا نیز مرتبط است، به این معنا که اگر نوع خاصی از بیماری کرونا برای مدت طولانی پابرجا باشد، در این صورت نمی‌توان به آن به عنوان فورس‌ماژور توجه نمود، اما در صورت جهش این ویروس و تبدیل شدن آن از نوع «چینی» به «انگلیسی» یا «هندی» یا هر قسم دیگر علی‌رغم شباهت آن‌ها، اما به جهت تفاوت در ساختار تأثیرگذاری، در صورت تحقق سه شرط فورس‌ماژور بایستی بدین وصف اطلاق شوند (۱۴).

۱-۲-۳. کرونا و دکتترین «عقیم‌شدن» در نظام حقوقی کامن‌لا: استیصال یا درماندگی یک دکتترین حقوق کامن‌لائی بوده که از نظر ماهیت به فورس‌ماژور نزدیک است، با این حال نسبتاً مضیق‌تر است. بر طبق این دکتترین، ممکن است یک اتفاق یا واقعه رخ داده که خارج از تقصیر هر یک از طرفین قرارداد بوده، به نحوی که یک طرف را از ایفای تعهدات قراردادی‌اش ناتوان یا مستاصل نماید (۱۵). در نظام حقوقی کامن‌لا، حتی اگر شرط فورس‌ماژور در یک قرارداد تجاری نیامده باشد، یک طرف قرارداد می‌تواند در صورتی از ایفای تعهدات قراردادی‌اش معاف شود که اثبات نمود که یک واقعه عقیم‌ساز رخ داده است (۱۶). اینکه یک واقعه خاص به عنوان یک واقعه عقیم‌ساز محسوب شود تا حدود زیادی به تصمیمات پیشین محاکم قضایی بستگی دارد، در حالی که در نظام حقوقی کامن‌لا، هیچ ملاک و استاندارد عینی برای تشخیص

بدیهی است که هاردشیپ با تعدیل قرارداد ارتباطش می‌تواند به عنوان مبنای تعدیل قرارداد مطرح شود. در واقع اگر هاردشیپ را به عنوان معادل همان عسر و حرج قرار بدهیم، بایستی این‌گونه مطرح نمود که همانطور که گفته خواهد شد در صورتی که عسر و حرج در قراردادهای پس از شیوع کرونا واقع شود، به گونه‌ای که اجرای تعهدات را با دشواری و پیچیدگی همراه سازد، مناسب‌ترین راهکار توسل به تعدیل قرارداد است، اگرچه سازوکارهای حمایتی دیگر نظیر خیار فسخ و انفساخ نیز وجود داشته باشند.

تفاوت بین این دو مفهوم به این صورت تشریح شده است: هاردشیپ در جایی مد نظر است که ایفای تعهد طرف متضرر از قرارداد، دشوارتر بوده، اما غیر ممکن نمی‌باشد، در حالی که فورس‌ماژور بدین معناست که ایفای تعهد شخص متضرر، حداقل به صورت موقت غیر ممکن شده است، به علاوه ظاهراً تفاوت عملکردی بین دو مفهوم مزبور نیز وجود دارد. هاردشیپ، دلیلی برای تغییر در برنامه قراردادی طرفین محسوب می‌شود. در این شرایط، هدف طرفین، همچنان اجرای قرارداد باقی می‌ماند (۲۰). با این حال، فورس‌ماژور در چارچوب عدم ایفای تعهد قرار می‌گیرد و ناظر بر تعلیق یا خاتمه قرارداد می‌باشد.

دکترین‌های ایالات متحده در ارتباط با شرایط تغییر یافته بر مبنای دکترین غیر ممکن شدن و تحولات بعدی آن، هم در اصلاحیه دوم قانون قراردادهای و هم مجموعه قوانین متحدالشکل تجاری تعریف دقیق شده‌اند (۲۱). بخش ۲۶۱ اصلاحیه دوم قانون قراردادهای ایالات متحده تحت عنوان «ایفای تعهد به واسطه غیر مترقبه بودن عملی نشدن قرارداد» تصریح نموده است:

«در مواردی که ایفای تعهد یک طرف قرارداد پس از اینکه قرارداد منعقد گردید، بدون قصور او به واسطه وقوع حادثه‌ای غیر عملی شود، تکلیف وی به ایفای آن تعهد ساقط می‌شود، مگر آنکه مفاد قرارداد یا اوضاع و احوال به گونه‌ای دیگر دلالت دارد.» (Restatement (Second) of Contracts 261 (1979)).

قانون متحدالشکل تجاری در بخش ۲-۶۱۵ خود تحت عنوان «عذر عدم واقع شدن اوضاع و احوال پیش‌بینی شده» نیز

دادگاه این اصل را تصدیق نمود که واقعه عقیم‌ساز می‌بایستی در زمانی که طرفین مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نمایند فراتر از حدود تفکر و اندیشه و قصد آن‌ها باشد. دادگاه به مانند رأی قبلی این امر را مورد تصدیق قرار داد که مانع نایستی تقصیر هر یک از طرفین قرارداد باشد. بنابراین در صورتی که شرایط و اوضاع و احوال یک واقعه عقیم‌ساز به واسطه قصور یا غفلت هر یک از طرفین قرارداد باشد، استناد بدان به عنوان واقعه عقیم‌ساز غیر ممکن است (۹).

پس از ذکر این مقدمه، حال بایستی این امر را بررسی نمود که آیا کرونا را می‌توان یک واقعه عقیم‌ساز مطرح نمود؟ در وهله اول بایستی این امر را مطرح نمود که هیچ‌گونه رویه روشن قضایی برای کرونا وجود ندارد که این بیماری را به عنوان یک واقعه عقیم‌ساز محسوب نموده باشد. با این حال، می‌توان نظر به پاندمی بودن این بیماری این استدلال «عقیم‌ساز بودن» آن را مورد پذیرش قرار داد. نظر به سطح اختلافی که این بیماری برای اقتصاد جهانی داشته است. از سوی دیگر، بایستی این نکته را در نظر داشت که طرفین هر قراردادی که پس از شیوع بیماری کرونا، آن را منعقد نموده‌اند نمی‌توانند به کرونا به عنوان یک واقعه عقیم‌ساز استناد نمایند که این موضوع به قابل پیش‌بینی بودن آن بازمی‌گردد. در هر صورت، حتی اگر خود بیماری به عنوان یک واقعه عقیم‌ساز در نظر گرفته نشود، اما نتایج و پیامدهایی که ناشی از آن می‌شود نظیر قرنطینه دولت‌ها را می‌توان احتمالاً به صورتی در نظر گرفت که اجرای قراردادهای غیر ممکن می‌سازد. بسیاری از واحدهای تجاری پس از شیوع کرونا و در نتیجه قرنطینه سراسری اقدام به تعطیلی نمودند و هیچ تقصیری نیز در این زمینه نداشتند (۶).

۳-۳-۱. کرونا و هاردشیپ: مفهوم هاردشیپ و فورس‌ماژور ظاهراً به ویژه از آن رو که ویژگی‌های مشترکی دارند، به یکدیگر مرتبط می‌باشند. با این حال، تفاوت‌های اساسی بین آن‌ها حاکم است. هاردشیپ در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی نشده است و همین امر موجب شده است که در رویه قضایی مورد توجه قرار نگیرد.

پس از ذکر این مقدمه، اینک به این موضوع می‌رسیم که آیا کرونا را می‌توان به عنوان یک هاردشیپ یا واقعه عسر و حرجی مورد شناسایی قرار داد. بدیهی است که همانطور که در قسمت‌های قبلی نیز خاطرنشان شد، تنها کرونا بر قراردادهایی تأثیرگذار است که پیش از شیوع کرونا منعقد شده‌اند و قراردادهایی که پس از شیوع کرونا منعقد شده‌اند، نظر به پیش‌بینی پذیر بودن آن‌ها، تابع هیچ یک از دکترین‌های فوق قرار نمی‌گیرند (۲۴). در مورد، تلقی کرونا به عنوان یک هاردشیپ بایستی بیان نمود که شرط اصلی در استناد به کرونا به عنوان هاردشیپ، این است که در هاردشیپ، امکان ادامه اجرای قرارداد علی‌رغم سختی و دشواری و تغییر بنیادین شرایط و اوضاع و احوال وجود دارد. از سوی دیگر، اثر حقوقی هاردشیپ آن است که طرفی که در اثر شیوع بیماری کرونا نتوانسته است به تعهدات قراردادی خود بپردازد، نمی‌تواند به عدم امکان ایفای تعهدات قراردادی ایفا نماید و طرفین ملزم می‌شوند تا مجدداً بر سر تعهداتی که موقتاً اجرای آن‌ها به حالت تعلیق درآمده است، مذاکرات مجددی را داشته باشند و به نوعی درصد تعدیل قرارداد بیانند (۲۵). در هر صورت به نظر می‌رسد که کرونا به جز در مواردی که به صراحت به عنوان یک شرط فورس‌ماژور یا واقعه عقیم‌ساز مورد توافق طرفین قرار گرفته باشد، بایستی به عنوان یک هاردشیپ در نظر گرفت، به این دلیل که اولاً کرونا، ایفای تعهدات قراردادی را کاملاً غیر ممکن نساخته، بلکه به حالت تعلیق درآورده است؛ ثانیاً امکان اجرای قرارداد با وجود کرونا در اکثر شرایط قراردادی به انحای دیگری وجود دارد؛ ثالثاً در رویه عملی نیز طرفین قراردادی که پیش از شیوع کرونا منعقد شده است پس از شیوع این بیماری، مبادرت به تعدیل قرارداد خود نموده‌اند که این موضوع نیز بر ضرورت تلقی کرونا به عنوان یک هاردشیپ دلالت دارد.

۱-۴. شیوه مدیریت اجرای قراردادها در دوران کرونا

۱-۴-۱. توسل به **خيارات فسخ**: فسخ قرارداد، یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های حقوقی و قانونی برای عدم استمرار قرارداد می‌باشد، البته فسخ قرارداد بایستی به عنوان یک اصل، بلکه

اصطلاح «غیر عملی» را به کار می‌گیرد. در هر دو قانون، این اصطلاح، «غیر ممکن» را شامل می‌شود. بند مربوطه بخش ۲-۶۱۵ قانون متحدالشکل تجاری بیان می‌دارد: «به جز تا آنجا که فروشنده‌ای، تعهد بالاتری را بر عهده گرفته و تحت‌الشمول بخش قبلی راجع به ایفای تعهد جایگزین قرار بگیرد: الف - تأخیر در تسلیم یا عدم تسلیم کلی یا جزیی کالا از سوی بایعی که مطابق با بندهای «ب» و «ج» عمل نموده است، در صورتی بر مبنای قرارداد بیع، نقض تکلیف او محسوب نمی‌شود که ایفای تعهد آن‌گونه که توافق شده است، به واسطه‌ای وقوع یک حادثه احتمالی که عدم وقوع آن فرض اساسی انعقاد قرارداد بوده است یا رعایت با حسن نیت هرگونه مقررات یا دستورات خارجی یا داخلی، خواه اینکه متعاقباً باطل شود یا نه، باشد.» بند «ب» بخش ۲-۶۱۵ قانون متحدالشکل تجاری شرط تخصیصی (Allocation Requirement) را در مواردی گنجانده است که تنها بخشی از قابلیت فروشنده برای ایفای تعهد تحت تأثیر قرار بگیرد. بند «ج» همین بخش شرط اطلاع را تصریح می‌دارد. بر مبنای عبارت پردازی بخش ۲-۶۱۵ قانون متحدالشکل تجاری، این بخش تنها فروشنده را از تسلیم کالاهای موضوع قرارداد معاف نموده است. به هر حال، باور عمومی بر این است که این ماده بایستی به همان میزان در مورد خریداران، قابل اعمال در نظر گرفته شود (۲۲).

مفهوم غیر عملی شدن تجاری که تکلیف یک طرف قرارداد را ساقط می‌نماید. به منظور توجه به ویژگی ساختار تجاری که در آن، این عذر به عنوان دفاع مورد استفاده قرار می‌گیرد، به کار گرفته می‌شود، اگرچه حادثه واقع شده، اجرای قرارداد را مطلقاً غیر ممکن نسازد. به هر حال، دادگاه‌ها از پذیرش هر چیزی کمتر از غیر ممکن شدن به عنوان عذر عدم ایفای تعهدات قرارداد سرباز زده‌اند (۲۳). رویکرد ایالات متحده به وضعیت‌های شرایط تغییر یافته از مفهوم سنتی فورس‌ماژور موسع‌تر است. رویکرد ایالات متحده، اصلاح قرارداد را مجاز شمرده و عذر غیر عملی شدن به دلیل شیوه تلقی دادگاه‌ها، از جامعیت مفهوم هاردشیپ برخوردار نشده است.

به عنوان یک استثنا مورد پذیرش قرار گیرد، چراکه اصل اصلی اخلاقی و همچنین حقوقی حاکم بر قراردادهای اصل الزام آور بودن عقود و همچنین اصل وفای به عهد به عنوان دو اصل مهم اخلاقی حاکم بر قراردادهای می‌باشد. این امر حتی با تصریح قانونگذار نیز همراه بوده است، به نحوی که قانونگذار در ماده ۲۱۹ قانون مدنی، تصریح داشته است که در صورت تردید در لازم یا جایز بودن عقود، اصل بر لازم بودن آنهاست، هر چند که تمامی عقودی که بر مبنای قانون منعقد شوند، بایستی اصل لزوم‌الاتباع قراردادهای را در مورد آنها حاکم دانست. احترام به اصل لزوم قراردادهای و همچنین استثنای فسخ از طرق دیگر نیز در قانون مدنی قابل استنباط است، چه آنکه قانونگذار در صورت تخلف هر یک از طرفین قرارداد از حدود تعهداتشان، ابتدایاً توسل به فسخ قراردادهای را پیش‌بینی ننموده است، بلکه در وهله اول در صورتی که اجبار متعهد به انجام تعهد امکان‌پذیر باشد، بایستی قبل از اعمال فسخ بدان متوسل شد (۲۶). این امر نیز نشان می‌دهد که در توسل به فسخ در قراردادهای، قانونگذار ایرانی یک شیوه اخلاقی یعنی احترام به اصل لزوم قراردادهای را در پیش گرفته است.

در مورد کرونا، نیز به نظر می‌رسد که توسل به خیار فسخ، البته نه به عنوان یک گزینه اولیه، بلکه به عنوان یکی از گزینه‌های موجود امکان‌پذیر باشد. در این میان، می‌توان به برخی از انواع خیارهای اشاره نمود که ارتباط بیشتری با تأثیرگذاری کرونا بر اجرای قراردادهای دارند برای نمونه خیار تعذر تسلیم به این معنا که ممکن است به علت شیوع کرونا و تشدید آن، امکان ورود کالایی که موضوع قرارداد بوده است، به صورت موقت فراهم نشود، در این صورت متعهدله خیار فسخ دارد، البته متعهدله در شرایطی حق اعمال فسخ قرارداد به موجب خیار تعذر تسلیم را پیدا می‌نماید که از ابتدا علم به عدم امکان تسلیم از سوی متعهد نداشته باشد که در صورت اخیر، قرارداد باطل می‌شود. همچنین در صورتی که متعهدله از ابتدا علم به عدم امکان تسلیم موضوع معامله از سوی متعهد در شرایط کرونا را نداشته باشد، اما متعاقباً شرایطی به واسطه این ویروس وجود آید که امکان تسلیم موضوع معامله به

صورت دائمی از بین رود، در این شرایط قرارداد منفسخ می‌گردد (۲۷).

۴-۲-۱. **تعلیق مدت قرارداد:** اگرچه اصل بر ایفای تعهدات قراردادی، عرفی و قانونی از سوی هر یک از طرفین قرارداد است و این انتظار مشروع نیز از آنها وجود دارد که به ایفای تعهدات مزبور بپردازند، اما گاه به سبب رخدادهای پیش‌بینی نشده، امکان دارد که این تعهدات به صورت دائم یا موقت انجام نپذیرد. در این شرایط، هر یک از طرفین حداکثر تلاش خود را به کار می‌بندد تا از حقوق قانونی و قراردادی‌اش حفاظت نماید. در این شرایط، یکی از سازوکارهای موجود، تعلیق مدت قرارداد است. با توجه به اینکه عنوان مورد بحث در این مقاله ناظر بر بیماری کرونا است و همانطور که در بخش‌های قبلی نیز نشان داده شد، در مورد شماری از قراردادهای ویژه قراردادهایی که پیش از کرونا منعقد شده‌اند را می‌توان به عنوان فورس‌ماژور محسوب نمود، از آنجا که در هر صورت با پیشرفت‌های علوم واکسن‌سازی، بایستی کرونا را به عنوان یک وضعیت موقت، گذرا و غیر دائم حساب نمود، می‌توان قائل به تعلیق مدت قرارداد بود. در حین تعلیق مدت قرارداد، خسارتی از سوی طرفین قابل مطالبه نبوده، ولی وظایف و تعهداتی در جهت حفاظت از وضعیت موجود برای از سرگیری تعهدات پیش‌بینی می‌شود (۲۸)، اگرچه در مقررات داخلی، اشاره‌ای به تعلیق مدت قرارداد نشده است، اما در برخی از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، از تعلیق مدت قرارداد بر اثر حوادث مربوط به بهداشت عمومی اشاره شده است. برای نمونه بر مبنای بند «الف» ماده ۸ قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه تسهیل تشریفات اعطای روادید به بازرگانان کشورهای عضو گروه D8 مصوب ۱۳۸۲/۲/۲۳ آمده است: «هر یک از طرف‌های متعاقد به دلایل امنیت ملی، نظم عمومی یا بهداشت عمومی می‌تواند لازم‌الاجرا شدن این موافقت‌نامه را به تأخیر انداخته یا اعمال تمام یا بخشی از آن را در قبال تمامی طرف‌های متعاقد یا تعدادی از آنها به صورت موقت به حالت تعلیق درآورد. اعمال و رفع چنین اقدامی باید از مجاری دیپلماتیک، فوری به اطلاق

علیرغم اینکه در قانون ما به طور صریح و به عنوان یک قاعده و مقرر کلی اشاره‌ای به تعدیل در قراردادهای نشده است، اما در موارد متعددی حکم به تعدیل قراردادهای در حال اجرا داده شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- ماده ۴ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ را می‌توان ذکر کرد. طبق این قانون که قبل از تصویب قانون سال ۱۳۷۶ در مورد محل‌های تجاری قابلیت اعمال داشت، روابط بین موجر و مستاجر در پایان مدت اجاره قطع نمی‌شد، بلکه قانون به مستاجر اجازه می‌داد به سکونت در محل ادامه دهد، لذا ممکن بود اجاره سالیانی به طول بیانجامد و در اثر گذشت زمان تعهدات طرفین نابرابر گردد. به همین علت در جهت پیشگیری از هر نوع نابرابری قانونگذار تحت شرایط خاصی اجازه درخواست بازبینی در عقد را به طرفین داده بود: «موجر یا مستاجر می‌تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی درخواست تجدید نظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید مشروط بر اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستاجر از عین مستاجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد. دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره‌بها را به نرخ عادلانه روز تعطیل خواهد کرد. حکم دادگاه در این مورد قطعی است.»

- نمونه دیگر مربوط به قانون روابط موجر و مستاجر سال ۱۳۶۲ است و بر اساس این قانون که قبل از تصویب قانون جدید مصوب سال ۱۳۷۶، بر اجاره‌های مسکونی حاکم بود و در مورد قراردادهای منعقد شده قبل از تاریخ قانون جدید نیز قابلیت اجرا داشت، پس از اتمام مدت اجاره می‌بایستی عین مستاجره بلافاصله تحویل موجر می‌گردید، لذا ممکن بود موجب مشقت برای مستاجر گردد، بر همین اساس ماده ۹ این قانون بازبینی عقد توسط قاضی را مورد پیش‌بینی قرار داده بود: «در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به علت کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستاجر بداند و معارض با عسر و حرج موجر نباشد می‌تواند مهلتی برای مستاجر قرار دهد.»

مدیر اجرایی گروه D8 برسد که وی نیز به نوبه خود آن را به طرف‌های دیگر ابلاغ خواهد نمود.» همانطور که در این ماده دیده می‌شود وقایع مربوط به بهداشت عمومی را از زمره عوامل تعلیق در مدت قرارداد ذکر نموده است که کرونا نیز از زمره آن است. بنابراین یکی از سازوکارهای موجود حقوقی در جهت مدیریت اجرای قرارداد در زمان کرونا، توسل به تعلیق در مدت قرارداد خواهد بود.

۱-۴-۳. **تعدیل قرارداد:** تعدیل قرارداد به معنی تغییر شرایط قرارداد به منظور متناسب کردن آن با شرایط و اوضاع و احوال جدید است. تعدیل قرارداد می‌تواند راجع به موضوع، مبلغ، مدت و سایر شرایط باشد (۲۹)، البته تعدیل قرارداد در هر شرایطی امکان‌پذیر نبوده و منوط به شروطی، از جمله «ارتباط مستقیم شرط الحاقی به عقد سابق»، «صحت عقد سابق» و «متقالبانه نبودن قصد طرفین» منوط شده است (۳۰). به عبارت دیگر کرونا در صورتی موجب تعدیل قرارداد می‌شود که اولاً شرط الحاقی که ناظر بر تعدیل قرارداد در اثر این بیماری است کاملاً با عقد سابق مرتبط باشد؛ ثانیاً عقد سابقی که پیش از بیماری کرونا منعقد شده است بایستی به عنوان یک عقد صحیح بر اساس ماده ۱۹۰ قانون مدنی ایران تلقی شود و در صورتی که این چنین شرایطی را نداشته باشد؛ تعدیل قرارداد در اثر کرونا در آن بی‌معنا خواهد بود. نهایتاً نبایستی استناد به کرونا به عنوان عامل تعدیل قرارداد موجب سوءاستفاده در اعمال حق شود. در حقوق بعضی کشورها، شرایط تعدیل قرارداد در قانون ذکر شده، اما در حقوق ایران، قانون صراحتی در این زمینه ندارد. با این حال، برخی حقوقدانان سعی کرده‌اند از مواد مختلف قانون، شرایط تعدیل در قراردادها را استخراج کنند، مثلاً به مواد قانون مدنی که به قاضی اختیار داده تا با توجه به اوضاع و احوال و همچنین وضعیت مدیون، به وی مهلت بدهد یا اقساط برقرار کند، برای تعدیل در قرارداد استناد کرده‌اند، اما واقع این است که این احکام قانونی، محدود به تعدیل در مدت پرداخت و به نظر برخی فقط در خصوص تعهدات پولی کاربرد دارد.

آینده چاره‌اندیشی می‌کنند تا از آثار نامطلوب حوادث خارج از وجود اختیار خود رهایی یابند. قانونگذار نیز با درک این واقعیت و پذیرش مبنای منطقی آن درصدد سر و سامان بخشیدن به آن برآمده و با تصویب آیین‌نامه مورد بحث قالب و فرمول معینی برای تعدیل نرخ قرارداد در طول اجرای آن در نظر گرفته است. پیمان‌هایی که بین دستگاه‌های دولتی (به ویژه سازمان‌هایی که بودجه آن‌ها از محل بودجه عمومی کشور تأمین می‌شود) و پیمانکاران داخلی در ارتباط با کارهای ساختمانی و تأسیساتی منعقد می‌شود تابع آیین‌نامه یاد شده‌اند. بر اساس بند «الف» و «ب» ماده ۳۶۷ مکرر این آیین‌نامه پیمان‌های با مبلغ اولیه بیش از ۵۰ میلیون ریال شامل تعدیل آحاد بها خواهند بود و این تعدیل می‌تواند با توجه به افزایش قیمت‌های واحد در هزینه کار، حداکثر تا ۲۵ درصد افزایش قیمت را شامل شود.

بحث

تأثیر کرونا بر اقتصاد و روابط حقوقی جامعه بر کسی پوشیده نیست و در وضعیت فعلی، اقتصاد ایران و بلکه دنیا تحت تأثیر آن دچار تلاطم گردیده است. برخی اماکن، از جمله صنوف مختلف، دانشگاه‌ها، ادارات و سازمان‌ها ناخواسته به دستور دولت مجبور به تعطیلی گردیده یا نیمه‌تعطیل شده‌اند. نظر به اینکه قراردادهای منعقد، از جمله قراردادهای پیمانکاری، ساخت و ساز، نظارت، اجرا و... از مواردی است که با این معضل رو به رو هستند، قطعاً قراردادهای و شروط آن تحت تأثیر شرایط موجود نیاز به بازنگری و اصلاح دارند.

فلذا ضمن تأکید بر نقش دولت و قوه قضاییه و ارگان‌های مربوطه در ساماندهی این حادثه جهت ایجاد زمینه برای پایبندی طرفین به قراردادهای و امکان اجرای تعهدات، به طرفین قراردادهای اکیداً توصیه می‌شود در شرایط کنونی مصالحه، همدلی و توافق بهترین گزینه برای گذر از این معضل حادث شده خواهد بود.

- قانون مسئولیت مدنی به دادگاه اجازه می‌دهد در شرایط خاصی از میزان مسئولیت متعهد بکاهد. «به موجب ماده ۴ دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در مورد زیر تخفیف دهد: هرگاه پس از وقوع خسارت واردکننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد. هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بود که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی واردکننده زیان شود. وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.»

- ماده ۲۷۷ قانون مدنی نیز در مقام بیان بخشی از قواعد عمومی قراردادی اشعار می‌دارد که: «متعهد نمی‌تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید، ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.»

- ماده ۶۵۲ قانون مدنی نیز در باب قرض مقرر می‌دارد: «در موقع مطالبه حاکم مطابق اوضاع و احوال برای مقتضای مهلت یا اقساطی قرار می‌دهد.»

ماده ۲۷۷ این امکان را با توجه به «وضعیت مدیون» ممکن می‌داند، در حالی که ماده ۶۵۲ قاضی را مختار می‌داند که مطابق اوضاع و احوالشان تصمیم بگیرد. با این برداشت تغییر و تحولات خارجی که تعهدات عقد را تحت تأثیر قرار می‌دهند نیز می‌توانند توجیه‌گر تمدید مهلت یا تقسیط تعهدات آن گردد.

- آیین‌نامه شرایط عمومی پیمان: این آیین‌نامه بنا بر تکلیف قانون برنامه و بودجه سال ۱۳۵۱ توسط سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۳ آماده و به تصویب هیأت وزیران رسید.

می‌دانیم که اجرای قراردادهای پیمانکاری با توجه به طبیعت این نوع قراردادهای غالباً نیازمند زمان طولانی است. از سویی دیگر سابقه این نوع از فعالیت‌ها در کشور ما حکایت از تغییرات عمده اقتصادی، از جمله تغییر قیمت مواد اولیه، کالاها، دستمزد کارگران و کاهش ارزش پول دارد (۳۱).

بنابراین در عرف رایج چنین قراردادهایی، طرفین به آینده خیالی خود دل نمی‌بندند و غالباً برای اوضاع و احوال متغیر

نتیجه‌گیری

شرایط پیش‌آمده به دلیل شیوع ویروس کرونا، بر قراردادهای مختلفی تأثیر گذاشته و موجب گردیده که علیرغم همه محاسبات و دوراندیشی‌های طرفین، اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد چنان متحول شود که موجب ضرر یکی از طرفین معامله گردد و اجرای آن‌ها را سخت و دشوار و گاه غیر ممکن سازد، البته بایستی چند وضعیت متفاوت را در این زمینه مورد ارزیابی قرار داد: اولاً در صورتی که یک قرارداد پیش از شیوع کرونا منعقد شده باشد و طرفین بدون تفکر و اندیشه در ارتباط با کرونا مبادرت به انعقاد قرارداد مزبور نموده‌اند و در زمان اجرای قرارداد با شیوع کرونا مواجه شده‌اند؛ ثانیاً در صورتی که در حین کرونا، قراردادی منعقد شده باشند و طرفین با آگاهی و علم نسبت به شیوع کرونا مبادرت به انعقاد قرارداد نموده‌اند؛ سومین وضعیت در صورتی است که طرفین با وجود بیماری کرونا، اما آن را به عنوان یک شرط فورس‌ماژور یا دشوارکننده اجرای قرارداد مورد پذیرش قرار داده‌اند. بدیهی است که در مورد اول، بایستی دشواری اجرای قراردادها را در مورد کرونا مورد پذیرش قرار داد، در حالی که در مورد دوم، تلقی کرونا به عنوان فورس‌ماژور یا عامل دشوارکننده اجرای قراردادها مسموع نیست و نهایتاً در وضعیت سوم با توجه به اینکه کرونا شرط ضمن عقد آمده است، بسته به مورد بایستی به عنوان فورس‌ماژور یا عامل دشوارکننده قراردادها محسوب شود.

در هر صورت، به طور کلی بایستی کرونا را به عنوان عامل دشوارکننده قرارداد محسوب نمود. اگر این دیدگاه مورد پذیرش قرار گیرد، می‌توان اجرای قراردادها را به نحوی مدیریت نمود که ضرر حاصله با رعایت قواعد و مقررات قانونی به حداقل خود برسد و برابری و توازن در تعهدات طرفین برقرار گردد. این تغییر اوضاع و احوال را به عناوین مختلف مانند عسر و حرج، تعذر، ناممکن شدن اجرای قرارداد، دشوار شدن اجرای قرارداد، فورس‌ماژور و... نامیده‌اند که هر یک به درجه تغییر در اوضاع و احوال و سختی اجرای قراردادها اشاره دارد.

به صورت کلی در صورت وقوع و شیوع کرونا، سه سازوکار اصلی در اختیار متعهدله است: ۱- توسل به خیار فسخ یا انفساخ؛ ۲- تعلیق مدت قرارداد؛ ۳- تعدیل قرارداد.

از این بین، بسته به مورد بایستی یکی از این سه سازوکار به کار برده شود. با این حال به نظر می‌رسد که تعدیل قرارداد، مناسب‌ترین شیوه باشد. بررسی موارد متعدد دخالت قانونگذار در قراردادهای خصوصی افراد، به علت وقوع حوادث پیش‌بینی نشده که باعث سنگینی نامتعارف و غیر منتظره تعهدات می‌گردد، نشانگر آن است که مقنن با هر توجیهی که باشد، در صورت اجتماع شرایط قائل به تعدیل قرارداد است.

وسعت و دامنه مقررات یادشده نیز به گونه‌ای است که نمی‌توان آن‌ها را مقرراتی استثنایی و موردی قلمداد کرد که بنا به مصالحی زودگذر مورد تصویب و تأیید قرار گرفته باشند، بلکه گسترش دامنه آن‌ها به موازات سریع‌تر شدن ضرب تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی نشانگر تأیید پذیرش نظریه تعدیل قرارداد در موارد مقرر و توجیه‌ناپذیری عملکرد قانونگذار با دلایل دیگر است. علیرغم مقررات متعدد و پراکنده در این زمینه قانونگذار هیچ‌گاه تمایلی به تصویب مقررات عمومی در این زمینه نشان نداده است و همین امر تعجب برخی حقوقدانان نامدار را برانگیخته، به گونه‌ای که وجود موارد قانونی فراوان در تعدیل قرارداد و عدم پذیرش این تئوری را نوعی سیاست دوگانه دانسته‌اند (۲۰).

با این همه، به نظر می‌رسد آنچه باعث شده است تا قانونگذار علیرغم اعتقاد و تمایل به پذیرش نظریه تعدیل از تدوین قاعده کلی در این زمینه اجتناب نماید، دل‌مشغولی و نگرانی از ثبات و استحکام قراردادهای خصوصی باشد. امری که به حق قابل تقدیر و ستایش است. حقیقت این است که پیش‌بینی مقرره‌ای عمومی مبنی بر امکان تعدیل قرارداد در صورت تحقق عسر و حرج برای متعهد مخصوصاً با وضعیت حاکم بر محاکم قضایی کشور ما می‌تواند قراردادهای خصوصی اشخاص را که حکم شریان‌های حیاتی روابط حقوقی مردم را دارند با اختلالات بسیار جدی مواجه سازد. با توجه به تفسیرپذیری و

شناور بودن مفهوم عسر و حرج، دشواری و یا مشقت بار بودن اجرای تعهد این احساس خطر را جدی تر می‌سازد.

با این همه به نظر نمی‌رسد توجیه مورد اشاره پاسخ مناسبی برای عدم پذیرش قاعده فوق‌الذکر در تعدیل پذیری قرارداد در شرایط استثنایی باشد.

اکنون جامعه نیازمند وجود مقرره‌ای کلی در این زمینه است. ناآگاهی بسیاری از طرف‌های عقد از پیش‌بینی شروط تعدیل‌کننده توافقی در قرارداد نیز این نیاز را دوچندان می‌سازد. از سوی دیگر همچنانکه اشاره شد، سابقه تدوین مقررات مرتبط نیز نشانگر وجود مبانی لازم جهت تحقق این امر از دیدگاه قانونگذار است. پس به جای حذف صورت مسأله باید به فکر حل آن بود. به نظر می‌رسد جمع بین مسأله مقتضی آن است که قانونگذار ضمن پیش‌بینی امکان تعدیل قرارداد در اوضاع و احوال استثنایی، به دقت شرایط تحقق عسر و حرج یا طاقت‌فرساشدن غیر معمول تعهد برای طرف عقد را نیز در مقررات مربوطه پیش‌بینی نماید، همچنانکه مشابه این وضعیت در آیین‌نامه مربوط به شرایط عمومی پیمان مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. به عنوان مثال قانونگذار می‌تواند علاوه بر تعیین میزان افزایش قیمت مورد معامله در مدت زمان اجرای عقد، برای امکان درخواست تعدیل از دادگاه، کمترین و بیشترین میزان تغییرپذیری مفاد عقد را نیز با توجه به شرایط حاکم بر عقد معین سازد.

در این صورت نه تنها قانون مورد نظر عقد را دچار اختلال نمی‌کند، بلکه با ایجاد انعطاف‌پذیری در عقد، قدرت سازگاری عقد با شرایط گوناگون را نیز تقویت می‌کند. برخی حقوقدانان حتی خود عقد را که پیش‌بینی نسبت به آینده و تسلط بر آن است مقتضی چنین نتیجه‌ای می‌دانند: «اگر قبول داریم که عقد منبعی برای پیش‌بینی برای آینده است، امنیت قراردادی نمی‌تواند جز در خدمت حفظ این پیش‌بینی‌ها باشد. بنابراین استحکام قراردادها با انطباق آن‌ها با شرایط زمان محقق می‌شود. در مواجهه با شرایط جدید، عقد را باید تکرار کرد، عقدی که موجود زنده‌ای است نمی‌تواند مطلقاً انعطاف‌ناپذیر باشد. زنده بودن به معنی تغییر خود برای زنده ماندن در یک مسیر معین است. بنابراین بازبینی در عقد الزامی است.

پس وجود چنین مقرره‌ای را در قرارداد باید باعث آبادانی تحرک و پویایی و زنده ماندن عقد دانست نه ویرانی آن. به تعبیر برخی حقوقدانان وجود امکان تعدیل، همچون لرزه‌گیری باعث می‌شود تا ساختمان عقد در مقابل زلزله‌های ناشی از اوضاع و احوال غیر قابل پیش‌بینی آینده مقاوم شود.

پیشنهادات: اگرچه در حقوق ایران در خصوص غیر ممکن شدن اجرای قرارداد، حکم مناسب وجود دارد، اما در مورد «تعدیل قرارداد»‌هایی که با مشکل در اجرا مواجه شده است، زمینه قانونی لازم فراهم نیست. به نظر می‌رسد که آنچه در شرایط فعلی مطلوب نظام قانونگذاری و قضایی ایران در ارتباط با کرونا باشد، تمییز بین تعدیل در ارکان قرارداد و تعدیل در شروط ضمن عقد باشد، در حالی که به نظر می‌رسد که تعدیل در ارکان قرارداد در شرایط فعلی مورد نظر قضات دادگستری نباشد، اما تعدیل در شروط ضمن عقد در اثر کرونا، منطقی و عقلانی به نظر می‌رسد و به عبارت دیگر در تعدیل قرارداد در اثر کرونا بایستی به دنبال تعدیل در شروط ضمن عقد بود نه تعدیل در ارکان عقد.

بر همین اساس پیشنهاد می‌شود قانونگذار، با افزودن ماده‌ای به قانون مدنی، در صورت بروز حادثه‌ای که دارای شرایط لازم باشد: ۱- آثار مورد نظر را ایجاد نماید؛ ۲- اختیارات خاصی به دادگاه واگذار کند.

۱- شرایط حادثه: - غیر قابل پیش‌بینی باشد. - قابلیت انتساب به طرف‌های عقل را نداشته باشد. - پیشگیری و اجتناب از آن ممکن نباشد. - متعهد، نتایج چنین حوادثی را بر عهده نگرفته باشد.

۲- تأثیر حادثه: - تعادل و توازن اقتصادی قرارداد را اساساً به هم ریخته، باعث شود اجرای تعهد برای یکی از طرفین، عرفاً مشقت‌بارتر یا پرهزینه‌تر از وضعیت مورد انتظار گردد. - اجرای چنان تعهدی، با توجه به وضعیت مدیون، باعث عسر و حرج وی باشد.

۳- اختیار دادگاه: - دادگاه می‌تواند با تقاضای مدیون، مهلت عادلانه با قرار اقساط دهد. - در صورتی که تأخیر در اجرا باعث بی‌فایده شدن عقد شود یا متعهدله بدان رضایت ندهد، دادگاه می‌تواند از طرفی که بر علیه او درخواست بازبینی با فسخ عقد

شده است بخواهد که با ارائه با پذیرش پیشنهادهای منصفانه تعدیل‌کننده عقد، از فسخ آن جلوگیری نماید. - در صورت عدم همکاری متعهدله، دادگاه به طرف مقابل اجازه فسخ عقد دهد.

راهکار پیشنهادشده، علاوه بر انطباق با مبانی فقهی و ایجاد هماهنگی و همخوانی بین مواد مختلف قانون مدنی، چون مبتنی بر دیدگاهی منطقی است، با تجربه برخی کشورها نیز هماهنگ است.

مشارکت نویسندگان

محمد صالحی مازندرانی و رضاحسین گندمکار: مشاوره ساختار و تحریر مقاله.

مسلم پورکریمی: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها، ساختاربندی و تحریر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Darabpour M, Darabpour M. Civil and contractual liabilities for the nonperformance of the contracts due to the changed circumstances such as the appearance of COVID-19. *Legal Research Quarterly Journal*. 2020; 23(6): 59-89. [Persian]
2. Katouzian N. *General rules of contracts*. Tehran: Enteshar Publishing; 2004. Vol.4. [Persian]
3. Mastracci M. *The International Distribution Agreement: A Practical Approach to Transnational Contracting across the European Union, the United States and Latin America*. Irvine: Universal Publishers; 2020.
4. Markham K. *Covid-19, Force Majeure and Frustration of Contracts - The Essential Guidem*. Lusaka: Law Brief Publishing; 2020.
5. Yazdanian A, Saghafi M. Civil liability of patients with infectious diseases. *Civil Jurisprudence Doctrines*. 2014; 10(8): 31-50. [Persian]
6. Availble at: <https://www.who.int/emergencies/diseases/novel-coronavirus2019/question-and-answers-hub/q-a-detail/coronavirus-disease-covid-19>.
7. McIntosh K, Chao R, Krause H, Wasil R, Mocega H. Coronavirus infection in acute lower respiratory tract disease of infants. *J Infect Dis*. 1974; 130(5): 502-507.
8. Sindberg K. *Coron Advice: Covid-19 from a Trade Finance perspective*. Wuhan: Books on Demand; 2020.
9. Hutchison A, Myburgh F. *Research Handbook on International Commercial Contracts*. Cape Town: Edward Elgar Publishing; 2020.
10. Tooze J, Tooze S, Warren G. Replication of coronavirus MHV-A59 in sac-cells: Determination of the first site of budding of progeny virions. *European J Cell Biol*. 2014; 33(2): 281-293.
11. Hamre D, Procknow JJ. A new virus isolated from the human respiratory tract. *Proc Soc Exp Biol Med*. 1966; 121(1): 190-193.
12. Availble at: <http://www.opiniojuris.org/2020/04/03/covid-19-symposium-the-use-of-criminal-sanctions-in-covid-19-responses-exposure-and-transmission-part-i>.
13. Krijnse-Locker J, Ericsson M, Rottier PJ, Griffiths G. Characterization of the budding compartment of mouse hepatitis virus: Evidence that transport from the RER to the golgi complex requires only one vesicular transport step. *J Cell Biol*. 2014; 124(1): 55-70.
14. Tyrrell D, Bynoe M. Cultivation of viruses from a high proportion of patients with colds. *Lancet*. 1966; 76-77.
15. Wenzel RP, Hendley JO, Davies JA, Gwaltney JR-JM. Coronavirus infections in military recruits: Three-year study with coronavirus strains OC43 and 229E. *Am Rev Respir Dis*. 2005; 109(6): 621-6240.
16. McKendrick E. *Force Majeure and Frustration of Contract*. NewYork: CRC Press; 2013.
17. Brunner C. *Force Majeure and Hardship under General Contract Principles: Exemption for Non-performance in International Arbitration*. The Netherlands: Kluwer Law International; 2009.
18. Sha'bani M, Bagheri A. Legal Reappraisal of Legitimacy and Outcome of Contingent Deception. *Journal of Figh and Usul*. 2018; 1(3): 47-68. [Persian]
19. Wojcik ME, Austin DW. Criminal justice and Covid-19. *Criminal Justice*. 2020; 35(3): 44-48.
20. Maskow D. *Hardship and Force Majeure*. American Society of Comparative Law. 1992; 40(3): 657-669.
21. Maller S. *A Quick Guide to Impact of Covid-19 on Financial Reporting*. London: Bloomsbury Publishing; 2020.
22. Draetta U. *Force Majeure Clauses in International Trade Practice*. Paris: Int'l Bus LJ; 1996.
23. Declercq P. *Modern Analysis of the Legal Effect of Force Majeure Clauses in Situations of Commercial Impracticability*. NewYork: Heinonline Publishing; 1995.
24. Yadav K, Jivesh A, Jivesh J. *Socio-Legal Impacts of Covid-19: Comparative Critique of Laws in India and Nepal*. Sangwan: Rajmangal Publishers; 2020.
25. Marano G, Vaglio S, Pupella S, Facco G, Catalano L, Liumbruno G, et al. Convalescent plasma: New evidence for an old therapeutic tool? *Blood Transfus*. 2015; 14(2): 152.
26. Sharifi M. *Crim, inal Liability for Transmission of Corona Virus in the Iranian Penal System*. *Criminal Law Doctrines*. 2020; 19(5): 161-188. [Persian]
27. Nasiri M. *A Comparative Review of the Right of Suspension and Withholding under Iranian Municipal Law with FIDIC Standard Contract Forms*. *Comparative Law Researches Journal*. 2005; 9(3): 137-157. [Persian]
28. Banaei Oskoei M. *Modify and terminate the contract if financial impossibility*. *Comparative Law Review*. 2013; 1(6): 42-47. [Persian]

29. Alavi Ghazvini A, Vakili Moghaddam M. Revising the Content of Contract. Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences. 2010; 1(12): 133-161. [Persian]

30. Rastad M. Adjustments resulting from the implementation of the law in contracting contracts. National Conference of World Scientific Research in Management, Law and Social Sciences. 2017; 2(21): 111-124. [Persian]